

بستگی به جنمش دارد

1

1382، جمعی از فعالین اصلاحات نظرات خود را درباره‌ی چگونگی ادامه‌ی این مسیر، در کتابی تحت عنوان «اصلاحات در برابر اصلاحات» گردآوری نموده و به نقد «درون‌گفتمانی» مبادرت ورزیده‌اند. سعید حجاریان در تشریح نظریه‌ی «مشروطه‌طلبی» خویش که بیشتر با تیتراژ «حاکمیت دوگانه؛ چانه‌زنی در بالا و فشار از پایین» شناخته می‌شود و در توضیح «کارکردی‌کردن دوگانگی»، می‌نگارد: «به نظر من مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان، قوه قضائیه و ... قدرت واقعی پایه‌ی دیگر حاکمیت نیستند، قدرت واقعی نیروهای اجتماعی پشت سر اینها است». حجاریان این گونه ادامه می‌دهد: «از سوی دیگر نظر من این است که باید حاکمیت دوگانه را به هر قیمتی حفظ کرد. اگر این دستاورد دوم خرداد را از دست بدهیم، ممکن است مشروعیت رژیم سیاسی از بین برود، ولی می‌تواند همچنان باقی بماند. مثل سلطانیسم حاکمیت سعودی که با غربیها ساخت و ماند. در این جا هم افرادی شدیداً پتانسیل بقای نامشروع را دارند. برای آنها شناخته شدگی مهم است و مشروعیت اصلاً اهمیتی ندارد... از اینجا است که می‌گویم باید به هر قیمتی دوگانگی را حفظ کرد». (ص125 و 126)

2

تابستان و پائیز 1383؛ دکتر حسین سلیمی در مصاحبه با «تعدادی از موثرترین چهره‌های اصلاحات» در کتاب «کالبد شکافی ذهنیت اصلاح‌گرایان»، از حجاریان می‌پرسد: «به نظر می‌رسد پروژه‌ی توسعه و نوسازی سیاسی که شما درباره‌ی آن صحبت کردید، از سال 79 به بعد با مشکل جدی مواجه شد. آیا این امر نتیجه ابزارهایی بود که در اختیار محافظه‌کاران بود یا شکافهایی که در درون جبهه اصلاحات بود و یا نه هر دو عامل موثر بودند؟» حجاریان ضمن اشاره به اقدامات رقیب، به نقد اصلاحات می‌نشیند و می‌گوید: «اولین انتقاد به اصلاحات این است که نخبه‌گرا بود. یعنی اصلاحات می‌خواست همه‌ی مسائل را در سطح بالای نخبگان حکومتی حل کند. مسائل بیشتر موکول به دولت، مجلس و سایر نهادهای حکومتی بود... نخبگان فکر کردند که همه مسائل خودشان را در حلقه‌های بسته‌ی چانه‌زنی می‌توانند بدون اینکه فشار و حمایت اجتماعی پشتیبانشان باشد، حل کنند.» (ص66)

در سوالات پایانی همان مصاحبه، حجاریان در پاسخ به سوالی مبنی بر نظرش در مورد «حضور اصلاح طلبان در انتخابات آتی ریاست جمهوری(1384)» می‌گوید: «با نظارت استصوابی، یعنی آقای جنتی او را قبول کند. اگر باشد، بهتر از نبودش هست» و با پذیرش اینکه رئیس جمور، «حاجب‌الدوله» ای بیش نیست و تذکار این نکته که «خیلی‌ها حاجب‌الدوله بودند، نظیر امیرکبیر، قائم مقام بچه آشپز، اما حاجب‌الدوله خوب بودند، بستگی به جَنَمَش دارد»، به قضاوتی کوتاه و مهیب در باب هاشمی رفسنجانی می‌نشیند: «او يك شاهى به سياست و دموکراسى اعتقاد ندارد».

3

8 بهمن 1386، صفحه‌ی اول روزنامه‌ی کارگزاران: عکسی با نمای نزدیک از خاتمی و هاشمی در کنار هم که تیتراژ آن، این است: «تصمیم نشست سه‌جانبه خاتمی، هاشمی، کروبی: الزامی به شرکت در انتخابات غیررقابتی نیست». گویا قرار است خاتمی امروز به دیدار مقام رهبری برود، پس از آن نوبت کروبی و هاشمی خواهد بود. از حجاریان خبری نیست و احتمالاً خبری هم نخواهد شد.

4

این پایان یا مرگ اصلاحات نیست، ادامه‌ی طبیعی و دوست‌نداشتنی آن است. چه اتفاقی در این مدت افتاده است؟ هاشمی دموکرات و سیاست‌ورز شده است؟ بی‌شک، اندکی، آری، اما، اصل قضیه جای دیگری است. می‌دانید، بعید نیست روزی که تیتراژ روزنامه‌های اصلاح‌طلب، نشست چهارجانبه و پنج‌جانبه و... باشد که طی آن از حضور علی اکبر ناطق نوری و محمود شاهرودی و... در جلسه‌ای جهت چاره‌اندیشی‌های اینچنینی، خبر دهد. نه، این پایان اصلاحات نیست. آغاز قصه‌ی آن است. می‌گویم چرا؟

5

بسیاری نطفه‌ی دوم خرداد را در تغییر چینشی می‌دانند که در مجلس پنجم رخ داد و طی آن راست مدرن در قالب کارگزاران سازندگی از راست سنتی انشعاب کرد و اقلیتی موثر را در آن مجلس شکل داد. از دوم خرداد تا سوم تیر، نیز شبه دموکراسی ایرانی، همچنان بر پاشنه رقابت و ائتلاف/ انشقاق (هر چند مقطعی) می‌چرخید و از این لحاظ، «سیاست‌ورزی» بود. از ائتلاف راست مدرن و چپ امامی در دوم خرداد و ائتلاف ملی‌مذهبی‌ها با گروه‌های 18 گانه دوم خرداد در مجلس ششم گرفته تا انشقاقات اصلاح‌طلبان در شورای شهر دوم و مجلس هفتم و حتی 27 خرداد. تا 27 خرداد شکاف‌های سیاسی عمدتاً بر محور همان نام‌های قدیمی «راست» و «چپ» می‌چرخید، اما از سوم تیر به بعد به لطف حضور «احزاب پادگانی» و تفکرات «حزب‌گریز تکرو»، شکافها کم

کم می‌رود تا تغییر کند. راست‌های جوان دولت نهم (راست‌نو) به ایفای نقشی به یادماندنی در تاریخ این مملکت دست زده‌اند که بی‌تردید، تنها از پس عملگرایان جسوری چون خودشان بر می‌آمد. خاتمی پس از 8 سال سخنرانی درباره‌ی «گفتمان»، نتوانست خراشی به دیوار گفتمان «راست/چپ» بیاندازد. «گفتمان/کوفتمان» گنجی علیه هاشمی هم 6 سال پس از مجلس ششم، ناتوان از ایجاد شکاف بود، اما محمود احمدی‌نژاد با گذشت نیمی از ریاستش بر دولت، بازی را به نحوی هدایت نموده که گفتمان سیاسی در ایران را نیز همچون شعارهایش، به اول انقلاب برده است. (مذهب/ غیر مذهب، ضد مذهب) اینک دیگر حتی، «خودی/غیرخودی» نداریم. از هاشمی و کروی و خاتمی و روحانی گرفته تا افروغ و قالیباف و لاریجانی و رضایی غیرخودی‌اند و این شاهکار و شهامت «معجزه هزاره سوم» است که اینچنین شکاف «راست‌نو/راست مدرن، راست سنتی، چپ معتدل، چپ تندرو و...» را ایجاد و تشدید می‌کند. نمی‌دانم حجاریان آنگاه که قدرت را در دستان «مجمع تشخیص و قوه قضائیه و...» نمی‌دانست، چنین روزهایی را به خواب دیده بود یا نه؟ اما فرقی نمی‌کند، امروزه روز، هنگامه‌ی تعبیر شدن کابوسی‌ست که حتی خوابش هم خوفناک است.

6

اصلاحات دوم خردادی هیچگاه دست به ائتلاف‌های با ریسک بالا نزده است و منتهی‌الیه موتلفینش کارگزاران و نهضت آزادی بوده‌اند، اما سیاست ورزی، موتلف و ائتلاف شجاعت می‌خواهد. اصلاحات تازه شروع شده است. از امروز اصلاحات دیگر جز تلاش برای محدود نمودن «راست‌نو»، هیچ چیز نیست و البته این کارویژه اصلی اصلاحات نیست. درایت در انتخاب موتلف، حیاتی‌تر است. باید از آن روزی که تیترا تخیلی بند 4 محقق شود، ترسید. همه‌ی دشمنان دشمن اصلاحات، دوست دموکراسی نیستند. علی لاریجانی، اگر الان هم رئیس سازمان «بانگ و رنگ» بود، «هویت 2» می‌ساخت...

7

این نوشته لزوماً، برای مجلس هشتم نیست که گویا، تکلیفش مشخص شده است. از دو سال دیگر باید هراسید و از روزی که دموکراسی خواهی بخواهد با نقشه‌ی راه «راست‌نو» جلوه‌گری کند. از روزی که آقای جنتی «اصلاح‌طلب حاجب‌الدوله» را هم‌رد-صلاحیت کند. از روزی که همینان که اینک اعتراض اصلاح طلبان به ردصلاحیتها را «شارلاتانیسم» می‌نامند، موتلفین ما باشند. جهش از بام خانه‌ی شکاف راست/چپ به دام آسمانخراش شکاف دموکراسی خواهی و حقوق بشر/حزب پادگانی، ما را با فرق سر

به زمین «راست نو» کویانده‌است. مواظب باشیم زیر چرخهای تانکهای پادگانی له نشویم.

منابع:

- 1- گفت و گویی انتقادی؛ اصلاحات در برابر اصلاحات/طرح نو/تهران 1382
- 2- کالبد شکافی ذهنیت اصلاح گرایان/حسین سلیمی/گام نو/تهران 1384

فرزاد نعمتی

بهمن ماه 1386